

هو الله

در عشق آباد بواسطه جناب میرزا محمد حسین حکیم زائر برسد

انزلی

جناب میرزا حسین خان و جناب میرزا ابراهیم سلیل حضرت خلیل علیهما بهاء الله الابهی

هو الله

ای دو شمع محبه الله جهان امکان ظلمانی بود و اکوان تاریکی و ناپینائی ظلمت اندر ظلمت بود و ضلالت اندر ضلالت روشنائی بکلی مفقود و سرگردانی و حیرانی موجود پس فجر ساطع دمید و نیر لامع پرده درید و نور حقیقت درخشید و مژده وصل رسید نسیم عنایت وزید آفاق روشن شد گلخن گلشن گشت باختر خاور گردید عالم بشر منور گشت ابواب ملکوت مفتوح شد فیض لاهوت مبذول گشت بهار روحانی رسید و نفعه رحمانی وزید کوران بینا شدند کران شنوا گشتند گنگان گویا شدند مردگان احیا گشتند بی نوایان نوا یافتند بیچارگان امان جستند گمگشتگان پی براه حقیقت بردند بساط جدیدی گسترده گشت و جشن بدیعی آماده شد مشتاقان بوصل جانان فائز شدند و عاشقان روی دلبر مهربان دیدند تشنگان بعذب فرات پی بردند و گمگشتگان بساحل نجات پیوستند دردمندان درمان یافتند و زخم خوردهگان مرهم دل و جان جستند روی زمین بهشت برین گشت و ساحت غبرا جنت ابهی شد این موهبت عظمی و این منقبت کبری حال اساسش بید قدرت الهیه در عالم امکان در نهایت متانت بنیان و بنیاد یافت و بتدریج آنچه در هویت دور مقدس است ظاهر و آشکار گردد الآن بدایت انبات است و آغاز ظهور آیات ینبات در آخر این قرن و عصر معلوم و واضح گردد که چه بهار روحانی بود و چه موهبت آسمانی و علیکما التّحیّه و التّناء ع ع